

A Jurisprudential Explanation and Analysis of the Meanings of Ta'wil (Hermeneutics) in the *Qur'an*¹

Mohammad Hossein Zaeri

PhD. student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. mhzaeri¹⁹@yahoo.com

Jafar Nekoonam

Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran (**Corresponding author**). jnekoonam@gmail.com

Mehrdad Abbasi

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. abbasimehrdad@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the different meanings of Ta'wil (hermeneutics), based on exegetical, jurisprudential, and legal resources. The method of study is descriptive-analytic and the results indicate that the meaning of Ta'wil is mostly derived from discussions in the Qur'anic sciences, especially the subject of Muhkam (established) and Mutashābeh (allegorical). This term, in addition to explanation, dream interpretation, and exegesis of the verses of Mutashābeh and even Muhkam, has a special meaning. The special meaning of this term is the onset of the Doomsday and seeing Godly punishment therein which is also mentioned in some other verses.

Keywords: Ta'wil (Hermeneutics), Jurisprudential Interpretation, Exegesis of the *Qur'an*, Dream Interpretation.

¹ Received: ۲۰۲۱/۰۲/۲۴ Revision: ۲۰۲۱/۰۴/۰۴ Accepted: ۲۰۲۱/۰۴/۲۰

تبیین و تحلیل فقهی معانی تأویل در قرآن^۲

محمدحسین زائری

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mhzaeri^{۸۹}@yahoo.com

جعفر نکونام

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). jnekoonam@gmail.com

مهر داد عباسی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. abbasimehrdad@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی معانی مختلف تأویل، بر اساس منابع تفسیری، فقهی و حقوقی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که معنای مورد توجه واژه تأویل بیشتر برگرفته از مباحث علوم قرآنی، خصوصاً موضوع محکم و متشابه است. این واژه، علاوه بر معنای تعبیر، تأویل خواب و تأویل آیات متشابه و حتی محکم، یک معنای خاص دارد. معنای خاص این واژه، فرا رسیدن قیامت و دیدن عذاب الهی در قیامت است که این نکته در آیات دیگر مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: تأویل، تفسیر فقهی، تفسیری قرآن، تعبیر خواب.

مقدمه

یکی از روش‌های فرایند پژوهش، روش‌شناسی پژوهش است. روش‌شناسی‌های مناسب، هر پژوهش را بر اساس موضوع، مسائل و منابع مربوط، سامان می‌دهد. روش‌شناسی در واقع، منطق عملی تحقیق در هر علم و از زیرساخت‌های لازم برای فهم آن علم به‌شمار می‌رود. لذا، از نظر رتبه، بحثی است که مقدمه هر علم است و شایسته است جداگانه و در مقدمه یا در فلسفه آن علم، مطرح شود. روش‌شناسی، کاربردهای مختلفی دارد. آنچه در این مقاله مدنظر است؛ روش‌شناسی به معنای دریافت معیارهای عمیق و دقیق برای رسیدن به معرفت و فهم مسائل در یک حوزه معین، یعنی تفسیر فقهی است (وزیری، ۱۳۹۱). تفسیر، همان کشف و پرده‌برداری از ابهامات کلمات و جملات قرآنی و توضیح مقاصد و اهداف آنها است. به عبارتی، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن، معانی آیات و آشکار کردن مراد جدی آیات، بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره، با استمداد از منابع و قرائن معتبر است (وزیری، ۱۳۹۱). تأثیر باورهای کلامی، مذهبی، جهت‌گیری‌های زمانی، سبک‌های پردازش تفاسیر معانی قرآن که بر اساس عقاید، نیازها، ذوق، اندیشه و تخصص علمی مفسر شکل می‌گیرد، گرایش‌های تفسیری را به وجود می‌آورد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷). از اقسام گرایش‌های تفسیری، سبک‌های تفسیری است که یکی از این سبک‌ها، تفسیر فقهی است. همچنین، از دیگر اقسام گرایش‌های تفسیری، مذاهب تفسیری است که تفسیر شیعه اثنی‌عشری از جمله این مذاهب است (وزیری، ۱۳۹۱). بنابراین، گرایش تفسیر فقهی، بر اساس مذاهب فقهی، به گونه‌های مختلف تقسیم شد که از مهم‌ترین این گونه‌ها، گرایش فقهی شیعه، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی را می‌توان نام برد.

تفسیر فقهی بر اساس منابع و مبانی که مفسر در فقه و اصول مذهب خویش برگزیده است، متنوع می‌شود و نتایج مختلف می‌دهد. برای مثال، اگر مفسر فقیه، اجماع، خبر واحد و ظواهر کتاب را حجت بدانند یا ندانند، تفسیر فقهی متفاوت می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷). مؤلفان تفاسیر فقهی، در ترتیب این کتب، معمولاً دو روش را به کار برده‌اند:

- تفسیر آیات احکام به ترتیب سوره‌ها و آیات؛
- تنظیم آیات فقهی قرآن بر اساس ابواب رایج در کتب فقه. مفسران اهل سنت غالباً روش اول را برگزیده‌اند و مفسران شیعه به طریق دوم رفته‌اند (قاسم‌پور، ۱۳۹۲).

بیان مسئله

تأویل قرآن، موضوعی است که بیشتر مفسران و نویسندگان علوم قرآن، مطالبی درباره آن نگاشته‌اند. بیشتر این نوشته‌ها و پردازش‌ها آنگونه که باید پرده ابهام از چهره این اصطلاح برنگرفته است. چه بسا نوشته‌هایی که به جای پاسخ‌دهی به پرسش‌ها، مایه پیداشدن پرسش‌های جدیدی شده است. دگرگونی معنایی و به‌کاررفتن اصطلاح تأویل در برابر اصطلاح تفسیر و تنزیل، و درکنار ظاهر و بطن قرآن ممکن است از جمله زمینه‌های ابهام این واژه باشد. تأویل از قبیل مفاهیم لفظی نیست، بلکه از امور حقیقی و خارجی است و تمامی معارف، احکام، قوانین و سایر محتویات قرآن، برگرد آن تأویل و حقیقت خارجی می‌چرخند. در نشئت معنی و حقیقت خارجی و تأویلی قرآن، لفظ عربی سریانی، عبرانی و... وجود ندارد و قرآن در بند و چهارچوب هیچ کمیتی نیست. در آن مرحله از وجود قرآن، بحثی از حقیقت و مجاز، اشتراک لفظی، معنوی و تشابه وجود ندارد، ولی وقتی به جهان کثرت و طبیعت نزول می‌کند و در قالب الفاظ، دچار تنگنا و محدود بشری قرار می‌گیرد، محدودیت الفاظ روی آن حقایق را می‌پوشاند. حقیقت قرآن، همانند آب

باران است (رعد، ۱۷). فهم معنای واژه «تأویل»، با تکیه بر معنای لغوی و دستوری آن چندان دشوار نیست، معنای لغوی «اول»، «رجوع» و فعل ثلاثی مجرد آن، «آل» است. «تأویل»، مصدر باب تفعیل از «اول» است. یکی از وجوه رایج معنایی باب تفعیل، متعدی ساختن فعل لازم است. در ثلاثی مجرد اگر معنای این واژه، رجوع به اول و آغاز هر چیز باشد در باب تفعیل، معنای آن ارجاع و بازگرداندن آن چیز به مبدأ و آغاز آن خواهد بود. به همین دلیل است که گفته‌اند: «مراد از تأویل، تصرف در معنای ظاهری لفظ است، به گونه‌ای که لفظ از معنای ظاهر و موضوع له، به معنای دیگر بازگردانده شود. البته این روآوری از معنای ظاهری به معنای دیگر مبتنی بر قرینه و دلیل ویژه است» (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۲). به اذعان آیه هفتم سوره مبارکه آل عمران، بخشی از آیات قرآن را متشابهات تشکیل می‌دهند. با وجود این حقیقت، بسیار طبیعی می‌نماید که مباحث نظری پیرامون شناخت محکم و متشابه و چگونگی برخورد با آیات متشابه از آغاز تاکنون، مورد توجه پیشوایان دین و اندیشه‌وران مسلمان قرار گرفته باشد. اهمیت این مبحث و چگونگی تأویل صحیح آیات متشابه از آن جهت اهمیت دارد که بسیاری از فرق برساخته با تمسک و استشهاد به این دست از آیات، از عقاید خود دفاع می‌کنند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۸).

اهداف پژوهش

برای پژوهش درباره آیات تأویل، چندین هدف مطرح شده است:
 اولین هدف، مربوط به معنای عام تأویل است.
 دومین هدف پژوهش، مربوط به معنای خاص تأویل است.
 سومین هدف، معنای تأویل از دیدگاه قرآن است.
 چهارمین هدف، معنای تأویل از دیدگاه مفسران است.

نوآوری پژوهش

در این آیه شریفه، بحث مهمی در میان مفسران و دانشمندان دیده می‌شود که آیا «و الرّاسخون فی العلم» جمله مستقلی بوده یا عطف بر «الا الله» است؟ یعنی آیا «تأویل قرآن را جز خدا و راسخون در علم نمی‌دانند» یا این که «تأویل قرآن را فقط خدا می‌داند، اما راسخون در علم می‌گویند گرچه تأویل آیات متشابه را نمی‌دانیم، اما در برابر همه آنها تسلیم هستیم و همه از طرف پروردگار ما است»؟ طرفداران هر یک از این دو دیدگاه برای اثبات عقیده خود شواهدی آورده‌اند؛ ولی آنچه مهم است و اساس این پژوهش را تشکیل می‌دهد؛ این است که بیشتر مطالعات به بررسی معنای عام تأویل پرداخته و از معنای خاص غافل شده است. پژوهش حاضر به این خلاء مطالعاتی خواهد پرداخت.

مبانی نظری

در گرایش تفسیر فقهی شیعه، منابع معتبر تفسیر فقهی همان منابع معتبر نقلی و عقلی فقهی یعنی کتاب، سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، عقل و اجماع هستند. از پیش فرض‌های بنیادین و مبانی تفسیر فقهی شیعه، علاوه بر وحیانی و حکیمانه بودن قرآن، امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن، تحریف ناپذیری قرآن، حجیت ظواهر قرآن، حجیت سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، جدایی ناپذیری قرآن و سنت و حجیت خبر واحد، ممنوعیت تفسیر به رأی برجستگی خاصی

دارند. از میان ابزار تفسیر فقهی، علاوه بر، قواعد ادبیات عرب، اصول محاوره عقلایی و قواعد تفسیری، قواعد فقهی و اصولی و استدلال‌های عقلی خاصی در فقه شیعه استفاده می‌شود؛ جایگاه ویژه‌ای دارد (وزیری، ۱۳۹۱). روش تفسیری از طریق و شیوه‌ای که هر مفسر برای تفسیر یک یا چند آیه انتخاب می‌کند، تعریف می‌شود و غالباً به ابزاری که در تفسیر بکار می‌برد، بستگی دارد. تفسیر، تقسیمات گوناگونی دارد و از لحاظ روش تفسیر (صرف نظر از صحیح یا خطا بودن تفسیر) به دو قسم تقسیم می‌شود: تفسیر کامل (تفسیر اجتهادی) و تفسیر ناقص. شناخت قواعد تفسیری در حوزه تفسیر شیعی، شناخت سبک ویژه بیانی قرآن، آشنایی با خصوصیات صنعتی اختصاصی قرآن که از آن به «اسالیب القرآن» نیز تعبیر می‌شود؛ - زیرا قرآن خود، شیوه خاصی را در تفهیم مقاصد به کار می‌گیرد که در حقیقت نوعی ابتکار ادبی محسوب می‌شود-، آشنایی با جهان‌بینی قرآنی، آشنایی با عناصر عمومی زبان یا عناصر ویژه زبان عربی، اهمیت به‌سزایی دارد (وزیری، ۱۳۹۱).

معناشناسی تأویل

ابهام در معنای «تأویل» با این شناخت حل نمی‌شود و با این تعریف‌ها برطرف نمی‌گردد. پیش از بررسی جستجوی معنای تأویل در کلام وحی و سخن مفسران وحی، باید ریشه لغوی این اصطلاح روشن شود. لغویون برای لغت «تأویل» معانی گوناگونی را ذکر کرده‌اند. اولین کسی که برخی از واژه‌های قرآن را معنا کرده، پیامبر (ص) و صحابه ایشان هستند. پیامبر (ص) تأویل را در دو معنای «عاقبت و مرجع» و «تفسیر و تدبیر» به‌کار برده‌اند؛ شاهد در مورد اول وقتی آیه «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ ...» (انعام، ۶۵) نازل شد، فرمود: «أَنَّهُا كَانَتْهُ وَكَمْ يَأْتِ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ؛ این امر واقع خواهد شد، ولی هنوز تأویلش نیامده است». در این حدیث، پیامبر اکرم (ص) وقوع عذاب را تأویل این آیه نامیده‌اند (ترمذی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۴۴). در «تهذیب اللغة» نوشته «ازهری» که یکی از قدیمی‌ترین معجم‌های لغوی است، «أول» را به معنی «رجوع» آورده «أَلْ يَأْوِلُهُ إِيَالَهُ» را سیاست و تأدیب معنا کرده است (ازهری، ۲۰۰۱م، ج ۱۵، ص ۴۳۷). «ابن فارس» (متوفای ۳۹۰ق) گفته «أول»، دارای دو اصل است: اصل اول: ابتدای امر، که واژه «أول»، به معنای ابتدا، از این اصل است؛ اصل دوم: انتهای امر، تأویل کلام به معنای عاقبت و سرانجام کلام، از این باب است و آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ»، براساس اصل دوم است و بر همین معنا استعمال شده است، یعنی سرانجام کتاب خدا را در هنگامی که برانگیخته می‌شوند؛ درمی‌یابند و هنگام قیامت، وعده و وعیدهای قرآن را تحقیق‌یافته می‌بینند (احمد بن فارس، ۱۴۱۱ق، ماده أول). «جوهری» (متوفای ۳۹۳ق): «أَلْ» را رَجَعَ (برگشت) و «التأویل» را تَفْسِيرٌ مَا يُؤُولُ إِلَيْهِ الشَّيْءُ» تأویل تفسیر سرانجام و عاقبت شیء است» معنا کرده است (جوهری، بی‌تا، ماده ی أول). «ابن اثیر» (متوفای ۶۰۶ ق) در «النهاية في غريب الحديث والأثر»، بعد از ذکر معنای رجوع برای «أول»، می‌نویسد: مراد از تأویل، برگرداندن ظاهر لفظ از معنای اصلی است، به معنایی که دلیلی بر آن قائم است، می‌باشد (ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ماده ی أول). «ابن منظور» (متوفای ۷۱۱ ق) در «لسان العرب»، ضمن بیان آنچه ازهری، ابن فارس، جوهری و ابن اثیر آورده‌اند، می‌نویسد: أَوَّلَ الْكَلَامِ وَ تَأْوِيلُهُ «يعني «دَبْرَهُ وَ فَسَّرَهُ» آن را تدبیر و تفسیر کرد». وی آیه «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ كَذَّبُوا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (یونس، ۳۹) را چنین معنا می‌کند: «لَمْ يَكُنْ مَعَهُمْ عِلْمٌ تَأْوِيلُهُ؛ دانش تأویلش با آنان نیست». او در این باره می‌افزاید: بعضی نیز آیه را چنین معنا کرده‌اند: «لَمَّا يَأْتِهِمْ مَا يُؤُولُ إِلَيْهِ أَمْرُهُمْ فِي التَّكْذِيبِ بِهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ؛ هنوز به سرانجام کارشان

در تکذیب که همان عقوبت است؛ نرسیده‌اند». دلیل این معنا، ادامه همین آیه است که می‌فرماید: «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۲-۳۶). با یک جستجوی اولیه در کتب لغت، خصوصاً معجم مورد اشاره، در مجموع چهار معنا برای تأویل ارائه شده که به ترتیب زیر است:

- مرجع و عاقبت؛
- سیاست‌کردن
- تفسیر و تدبیر؛
- انتقال از معنای ظاهری لفظ به معنای غیر ظاهراً.

شایان ذکر است، معنای اول به صورت معنای غیر مصدری بیان شده و معنای دوم و سوم و چهارم به صورت معنای مصدری آمده است. «سه معنای اولی این واژه در معجم‌های قدیمی به کار رفته است و معنای چهارم برای اولین بار در قرن پنجم و در معجم «النهایه فی غریب الحدیث والأثر» ابن‌اثیر آمده است. تأویل به معنای چهارم اصطلاح اصولیون و متکلمان است» (شاکر، ۱۳۸۱، ص ۲۷).

متشابه، اسم فاعل باب تفاعل، از ریشه و مانند است. متشابه براساس کارکرد باب تفاعل، نوعی همسانی میان دو چیز را می‌رساند (فراهیدی، ۱۹۱۰م، ج ۳؛ به نقل از: نصیری و همکاران، ۱۳۹۸). تفسیر، مصدر باب تفعیل، از ماده فسر، جمع آن تفاسیر است. در لغت، به معنای روشن کردن و توضیح دادن مطلب و کشف نمودن آمده است (ر.ک.: أفرام بستانی، ۱۹۵۴م، ص ۲۴۴). برخی نیز گفته‌اند: تفسیر، روشن کردن و کشف نمودن مراد و مقصود از لفظ مشکل است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۵۵). تعریف‌های گوناگونی از علم تفسیر، ارائه شده است. از جمله، تعریف «زرقانی» در «مناهل العرفان» که گفته است: تفسیر، علمی است که در آن به قدر توان بشری از احوال قرآن، از آن جهت که بر مراد خداوند متعال دلالت دارد، بحث می‌شود (زرقانی، ۲۰۰۱؛ به نقل از: حسن‌زاده و جعفری، ۱۳۹۳).

به هر حال، تأویل هر آیه، حقیقت خارجی آن است که مدلول آیه به‌شمار نمی‌رود، گرچه به گونه‌ای از آن حکایت دارد. همان‌گونه که مثال در مورد مثال، دلالت مطابقی ندارد، هرچند حال و وضع آن را آشکار می‌سازد. از این رو، علامه می‌فرماید: «تأویل، آن حقیقت خارجی است که موجب گردیده تا تشریح حکمی گردد، یا بیان معرفتی شود، یا حادثه‌ای بازگو گردد. آن حقیقت چیزی نیست که بیان قرآن صریحاً بر آن دلالت کند، جز آنکه هریک از بیان‌های قرآن از آن نشئت و ظهور یافته است و نیز اثری از آن است که به گونه‌ای از آن حکایت دارد و بدان اشاره می‌نمایند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق؛ به نقل از: حسن‌زاده و جعفری، ۱۳۹۳).

واژه تأویل در آیات قرآن

واژه «تأویل» هفده مرتبه در قرآن در پانزده آیه به کار رفته است که البته در همه موارد، منظور تأویل قرآن نیست. در قرآن، کلمه تفسیر، یک‌بار به کار رفته است. با یک بررسی اجمالی در آیاتی که این واژه در آن، به کار رفته است به کاربردهای این واژه در قرآن پی می‌بریم.

همچنین این نکته نباید مورد غفلت قرار گیرد که مصادیق این معنا ممکن است به حسب موارد استعمال فرق کند. بعضی از آن‌ها به تبع خصوصیت متعلق، دارای خصوصیتی باشد که مصداق دیگر فاقد آن است. پس نباید خصوصیت بعضی از مصادیق را به مصداق دیگر نسبت داد، مگر آنکه دلیلی غیر از کاربرد واژه تأویل در دست باشد. به عنوان مثال نمی‌توان گفت چون تأویل رؤیا و کارهای حضرت خضر (ع) از حقایق خارجی است، پس تأویل قرآن نیز از حقایق

خارجی است و از سنخ مفاهیم و مدالیل الفاظ نیست. زیرا روشن است که تأویل غیرکلام از قبیل رؤیا و کار، از سنخ مفاهیم و مدالیل الفاظ نیست. ولی این امر موجب نمی‌شود که تأویل کلام هم از مفاهیم نباشند. چون ممکن است، همچنان که بین کلام و غیر کلام فرق است، بین تأویل کلام و تأویل غیر کلام نیز فرق باشد و چه بسا رؤیا و کار، چون وجود خارجی ندارند، تأویل آنها نیز حقیقت خارجی باشد. ولی کلام چون دارای وجود لفظی یا کتبی است و غرض از آن افاده معنا و مفهوم است، تأویل آن از سنخ مفاهیم و مدالیل باشد (ر.ک.: بابایی، بی تا، ص ۴۴-۴۹).

تأویل همان حقیقتی است که تمام معارف قرآن از آن سرچشمه گرفته است. علامه در تبیین و توضیح این امر می‌گوید: «هرکس در آیات قرآن تدبّر نماید، ناچار درمی‌یابد که این قرآن حنازل شده تدریجی بر پیغمبر اکرم (ص) - بر آن حقیقت تکیه دارد؛ حقیقتی که فراتر از آن است که اذهان عامیانه آن را درک کند یا دست‌های آلوده به خواسته‌های نفسانی و چرکین آن را لمس نمایند: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ». آن حقیقت یک‌جا بر پیغمبر (ص) فرود آمد و همه آنچه را مقصود غایی و مطلب نهایی قرآن بود، جملگی، در آن شب ليله‌القدر به او آموخت» (به نقل از: حسن‌زاده و جعفری، ۱۳۹۳).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش تلاش دارد با عنایت به تفاسیر مختلف آیات تأویل و با مراجعه به منابع تفسیری، فقهی و حقوقی، به روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌بردن از تفسیر اجتهادی، دیدگاه‌های متفاوت عالمان را پیرامون آن، مورد بحث و بررسی قرار دهد. این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و در این راستا از منابعی چون کتاب‌ها، اسناد، مدارک و مقالات جهت اخذ اطلاعات استفاده خواهد شد و همچنین روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و با مراجعه به کتابخانه‌های عادی و دیجیتالی (الکترونیکی) صورت خواهد پذیرفت. لازم به ذکر است، ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری از نوشته‌ها و اسناد و متون حقوقی مرتبط (کتب علمی، تخصصی، مقالات علمی-پژوهشی) و استفاده از سایت‌های معتبر فقهی است.

در این حوزه مفسران شیعه و اهل سنت دو شیوه متفاوت را برگزیده‌اند: تقریباً همه مفسران اهل سنت به‌جز «شافعی» در «احکام القرآن» و شماری دیگر، آیات فقهی قرآن را به ترتیب سوره و آیات قرآن تفسیر کرده‌اند؛ یعنی از «بسم الله الرحمن الرحیم» سوره «فاتحه» آغاز کرده و تا آخرین سوره مشتمل بر حکمی فقهی ادامه داده‌اند. اما «احکام القرآن» شافعی به صورت موضوعی تنظیم شده و مشتمل بر موضوعات ذیل است: «تفسیر آیات متفرقه، فی الطهارة و الصلاة، فی الزکاة، فی الحج، فی البيوع و المعاملات، فی قسم الفیء و الغنیمه و الصدقات، فی النکاح و الصّدق، فی الطلاق و الرجعة، فی العده و الرضاع و النفقات، فی الجراح و ما إلیه، فی قتال أهل البغی، فی الحدود، فی السیر و الجهاد، فی الصيد و الذبائح، فی الأیمان، فی القضايا و الشهادات، فی القرعة و العتق و الولاء و الکتابه و تفسیر آیات متفرقه أُخری» (شافعی قرشی مطلبی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۸ - ۵۴۵).

برخلاف روش اهل سنت، فقهای شیعه، تفاسیر فقهی را بر طبق کتب فقهی تنظیم کرده‌اند که غالباً از کتاب طهارت آغاز می‌شود و به کتاب قضا و شهادات پایان می‌پذیرد (قطب راوندی، ۱۴۱۵). برای نمونه، «فقه القرآن» راوندی به ترتیب مشتمل بر این موضوعات است: «طهارت، صلات، صوم، زکات، حج، جهاد، دیون و کفالات و حوالات و وکالات، قضايا، مکاسب، متاجر، نکاح، طلاق، عتق و ایمان و نذور و کفارات، صید و ذباحه، اطعمه و اشربه، وقوف و صدقات،

وصایا، موارث، حدود و دیات». ترتیب موضوعات در «کنز العرفان» نیز با اندکی تفاوت نسبت به فقه القرآن راوندی بدین شرح است: «طهارت، صلات، صوم، زکات، خمس، حج، جهاد، مکاسب، بیع، دین، رهن، ضمان، صلح، وکالت، کتاب فیه جمله من العقود، نکاح، مطاعم و مشارب، موارث، حدود، جنایات، قضا و شهادت» (ر.ک.: کنز العرفان؛ به نقل از: ایازی، ۱۴۱۴ق). از جمله شرایط ضروری مفسر فقهی در گرایش شیعی، علاوه بر آشنایی با علوم ادبیات عرب، فنون منطق، شیوه‌های صحیح استدلال، آشنایی با مباحث ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و شناخت موارد آن‌ها، آگاهی از شأن نزول‌ها، آشنایی با قرائات، تسلط بر قواعد اصول فقه - که در فقه شیعه عمق و گستردگی و قواعد خاصی دارد -، آشنایی با شیوه استنباط احکام در فقه امامیه، آشنایی با مکاتب فقهی و حقوقی، آگاهی از قواعد فقهی، آشنایی با رجال، درایه و فقه الحدیث - برای فهم صحیح تفسیر آیات احکام از روایات تفسیری و ارزیابی متن و سند این روایات -، آشنایی با احادیث فقهی، شناخت روش‌های تفسیری همچون تفسیر قرآن به قرآن، روایی یا عقلی - تا بتواند از همه این شیوه‌ها به‌طور صحیح در روش تفسیر اجتهادی کامل استفاده کند و از شیوه‌هایی که به تفسیر به‌رأی منتهی می‌شود، بپرهیزد. -، شناخت قواعد تفسیری در حوزه تفسیر شیعی، شناخت سبک ویژه بیانی قرآن (آشنایی با خصوصیات صنعتی اختصاصی قرآن که از آن به «اسالیب القرآن» نیز تعبیر می‌شود؛ زیرا قرآن خود شیوه خاصی را در تفهیم مقاصد به کار می‌گیرد که در حقیقت نوعی ابتکار ادبی محسوب می‌شود) و آشنایی با جهان‌بینی قرآنی، آشنایی با عناصر عمومی زبان، یا عناصر ویژه زبان عربی، اهمیت بسزایی دارد (وزیری، ۱۳۹۱).

یافته‌ها

تعبیر خواب

واژه تأویل دوازده بار در مورد غیر قرآن به‌کاررفته است. چهار مورد به‌صورت اضافه به احلام، رؤیا یا ضمیری که به آن برمی‌گردد؛ به کار رفته است. (یوسف، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰). در این موارد بدون هیچ تردیدی به معنای تعبیر خواب و رؤیا است، چیزی که خواب از آن حکایت می‌کند. حضرت یوسف (ع) خواب می‌بیند که یازده ستاره و خورشید و ماه بر او سجده می‌کنند و خواب را برای پدرش تعریف می‌کند. پدر می‌گوید: «این حاکی از مقام بلندی است که در پیش داری». وقتی حضرت یوسف به آن مقام بلند می‌رسد و برادران در برابر وی به سجده می‌افتند، حضرت یوسف می‌گوید: «یا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا...» (یوسف، ۱۰۰). این حقیقتی که در خارج محقق شده و خواب، از پیش، حکایت‌کننده آن بود، تأویل آن رؤیا به‌شمار آمده است. سه بار در حال اضافه به «الاحادیث» است که به تبع اختلاف معنای «الاحادیث» در معنای تأویل نیز اختلاف شده است (یوسف، ۱۰۱، ۱۰۲، ۶). ولی به قرینه سیاق، در این موارد نیز معنای تعبیر خواب و رؤیا با ظاهر آیات سازگارتر است. مفسران عموماً تأویل الاحادیث را به «تعبیر خواب» تفسیر کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۹۹) «وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ...» (یوسف، ۶، ۲۱، ۱۰۱).

بیان علت انجام فعل

واژه تأویل دوبار در مورد کارهایی که حضرت خضر (ع) انجام داد و اسرار آن برای حضرت موسی (ع) پنهان بود به‌کار رفته است آیات ۷۸ و ۸۲ سوره کهف درباره تأویل کارهای حضرت خضر است که حضرت موسی تحمل آن‌ها را نداشت و حضرت خضر تأویلش را به او یادآور شد. حضرت خضر کشتی را سوراخ می‌کند، نوجوانی را می‌کشد،

دیواری را تعمیر می‌کند، هر بار که حضرت موسی به وی اعتراض می‌کند، ایشان در بیان حکمت و اسرار این کارها می‌گوید: کشتی را سوراخ کردم که از غصب ظالمان مصون بماند؛ زیرا آنان کشتی‌های سالم را غصب می‌کردند. نوجوان را کشتیم تا پدر و مادر وی از طغیان و کفر او مصون بمانند. دیوار را تعمیر کردم تا گنجی که در زیر آن پنهان بود؛ برای بچه‌های یتیم محفوظ بماند. پس از بیان این اسرار می‌گوید: «قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ سَأْتِيكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف، ۷۸)، «این است تأویل کارهایی که بر انجام آن نمی‌توانستی صبر کنی».

تأویل به معنای حسن عاقبت

واژه تأویل دو بار در این معنا به کار رفته است. در یکی از آیات آمده است؛ که اگر در تنازعات به خدا و رسول مراجعه کنید، تأویل آن نیکوتر است. در آیه‌ای دیگر پس از فرمان به این‌که در وقت پیمان‌کردن، پیمان‌ه را بر کنید و با ترازوی مستقیم وزن کنید؛ فرموده است: «این بهتر و تأویل آن نیکوتر است». تعبیرات مفسران در بیان معنای تأویل در این دو آیه، این است که مراد از آن، نتیجه و ثمری است که بر آن کارها مترتب می‌شود، که با ظاهر آیات سازگارتر است. و می‌توان در این دو مورد، آن را به عاقبت معنا کرد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء، ۵۹) و آیه ۳۵ سوره اسراء درباره تأویل ایفای کیل و میزان در معامله است. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء، ۳۵). واژه تاویل در این آیات در چهار معنا به کار رفته است:

- ۱- تعبیر خواب و حقیقتی که رؤیا از آن حکایت می‌کند.
- ۲- حکمت و اسراری که در کارهای حضرت خضر (ع) نهفته و مورد نظر بود و برای دیگران، حتی برای فردی مانند حضرت موسی (ع) معلوم و آشکار نبود.
- ۳- ثمره و نتیجه‌ای که بر کارهایی مانند رجوع به خدا و رسول در تنازعات و اطاعت از حکم آنان و پرکردن پیمان‌ه و توزین با ترازوی مستقیم مترتب می‌شود، یا به تعبیر دیگر، عاقبت و فرجام کارهای اختیاری انسان.
- ۴- آنچه که پنهان و نامعلوم است.

تأویل به معنای بیان مراد حقیقی سخن

واژه تأویل پنج‌بار در مورد تأویل آیات قرآن به کار رفته است. پنج‌باری که در مورد قرآن به کار رفته به شرح زیر است: دوبار در آیه هفتم سوره آل عمران در حال اضافه به ضمیری که به قرآن یا بخش مشابه آن برمی‌گردد، به کار رفته است: «ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ»، «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۷). دو بار در آیه پنجاه و سوم سوره اعراف، در حال اضافه به ضمیری که به کار رفته که بر حسب ظاهر و به نظر مشهور، به قرآن برمی‌گردد: «تَأْوِيلَهُ وَ تَأْوِيلَهُ»، «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءٍ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (اعراف، ۵۳). یکبار در آیه سی و نهم سوره یونس در حال اضافه به ضمیری که طبق نظر مشهور به قرآن برمی‌گردد «تَأْوِيلَهُ» آمده است. «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلَهُ كَذَّبَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (یونس، ۳۹).

تأویل در دیدگاه مفسران

در زمینه روش‌شناسی تفسیر فقهی و به‌ویژه تفسیر فقهی شیعه، کم‌تر اثری به شکل مجزا، مفصل و دقیق ارائه شده است. بررسی روش‌شناسی تفسیر فقهی، می‌تواند هم در حوزه تفسیر قرآن و هم در حوزه استنباط احکام فقهی، تأثیر بسزایی داشته باشد. از همه مهم‌تر به جایگاه اصیل قرآن، به‌عنوان اصلی‌ترین منبع استنباط احکام، توجه شود؛ مسئله‌ای که مورد غفلت واقع شده است تا بتوان در استنباط احکام کلی و جزئی بیشتر از آیات قرآن سود برد. همچنین، پرداختن به بحث روش‌ها در تصحیح و گسترش آن‌ها مؤثر خواهد بود و به‌ویژه اثر خود را در بحث‌های تطبیقی در این حوزه بیشتر نمایان خواهد کرد.

روش تفسیر فقهی، در واقع، ترکیبی از روش استدلال فقهی و شیوه‌های تفسیری است. به بیان دیگر، تفسیر فقهی از حیث روش در میان علم تفسیر و علم فقه قرار می‌گیرد. البته در کتب آیات الاحکام شیعی مانند «زبدہ البیان»، اعمال روش استدلالی فقهی بر شیوه‌های تفسیری غلبه دارد. همچنین در «کنز العرفان» به شیوه فقهی، اقوال و احادیث و شأن نزول‌ها به دقت نقل و بررسی شده‌اند. استرآبادی نیز در «آیات الاحکام» در استناد به روایات، روش اجتهادی را در پیش گرفته و ضمن استناد به روایات کتب اربعه، در برخی از موارد نیز روایات را به جهت ضعف سند، تضعیف می‌کند. برخی دیگر از این کتب همچون آیات الاحکام استرآبادی، دقیقاً بین فقه و تفسیر جمع شده است و در بخش‌های تفسیری از شیوه‌های ابتکاری، از جمله دقت‌های ادبی، فقهی و روش‌های استدلالی، بهره گرفته شده است (وزیری، ۱۳۹۱).

صاحب‌نظران تفسیر و علوم قرآن نیز تأویل را به معنای «تفسیر»، «توجیه متشابه»، «برگرداندن لفظ آیه از معنای راجح به معنای مرجوح»، «بطن»، «بیان معانی از طریق اشاره و رمز»، «مراد کلام»، «وجود عینی خارجی» و «حقیقت عینی عندالله» گفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۳، ص ۲۷؛ معرفت، ۱۳۷۸، ج ۲).

باتوجه به معانی لغوی و کاربردهای «تأویل» در قرآن می‌توان گفت که واژه «تأویل» از وجوه و نظایر قرآن است؛ یا مشترک لفظی است. یعنی واژه «تأویل» دارای چند معناست که اگر همگی ریشه در وضع تعینی لغوی نداشته باشد، در اثر کاربرد فراوان آن در طول زمان، به‌صورت وضع تعینی درآمده است.

در این بخش، دیدگاه بعضی از مفسران را ذکر می‌کنیم. در تفسیر طبری از قول قدماء، تفاسیر زیر برای آیه هفتم سوره آل‌عمران ذکر شده است: «مراد از «و ابتغاء تأویل» آن است که یهود می‌خواستند با استفاده از حساب جمل درباره مقطعه، عاقبت و پایان کار امت پیامبر (ص) را بدانند. مراد از «و ابتغاء تأویل» آن است که می‌خواستند زمان نسخ احکام را بدانند. این قول از سدّی نقل شده است و طبری آن را تأیید می‌کند؛ پس طبق این نظر، مراد از «تأویل» پایان مدت اجرای احکام شرعی و آمدن ناسخ است. مراد از تأویل، شناخت پایان دنیا و وقوع قیامت است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶). طبرسی در «مجمع البیان»، ضمن نقل اقوال در تفسیر طبری، درباره «و ابتغاء تأویل» می‌نویسد: مسیحیان نجران از پیامبر (ص) پرسیدند: آیا عیسی کلمه خداوند و روحی از او نیست؟ حضرت فرمود: بلی، آن‌ها گفتند: همین ما را کافی است (که عیسی پسر خداست). سپس این آیه نازل شد: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ...» ایشان در ذیل «وما يعلم تأویلہ الا الله» می‌نویسد: پیامبر و اوصیاء نیز تأویل همه قرآن را می‌دانند. مؤید این قول، آن‌که صحابه و تابعان اجماع دارند بر تفسیر همه آیات قرآن و کسی نقل نکرده که آن‌ها بر چیزی از قرآن توقف کرده و آن را به این دلیل که از متشابهات است،

تفسیر نکرده باشند. پس می‌توان گفت که از نظر طبرسی، تأویل و تفسیر یکی هستند. ایشان در ادامه می‌نویسد: گروهی می‌گویند: «راسخان در علم، تأویل را نمی‌دانند». در این نظر، تأویل یا به معنای مدّت بقای امت است یا به معنای فنای دنیا و وقوع قیامت، که علم آنها مخصوص خداست و این قول «عایشه»، «عروّه بن زبیر»، «حسن» و «مالک» است و «کسائی»، «فراً» و «جبائی» آن را اختیار کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۰۱). نقل قول «مرحوم طبرسی» درباره گفتگوی مسیحیان نجران درباره حضرت عیسی (ع) که مربوط به آیه ۱۱۷ سوره نساء است؛ با نزول آیه هفتم سوره آل عمران هم‌خوانی ندارد. زمان نزول سوره آل عمران و آیه هفتم آن، حداقل یک سال زودتر از نزول سوره نساء و آیه ۱۱۷ آن است. طبری در تفسیر آیه پنجاه و نهم سوره نساء می‌نویسد که به نقل از «مجاهد نقل شده که «احسن تأویلاً» را به «احسن جزاء» تفسیر کرده است و «قتاده» و «ابن زید» به «احسن عاقبه» تفسیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۱۷). در تفسیر مجمع البیان آمده است: «گفته شده که معنای «ذلک خیر و احسن تأویلاً» این است که در دنیا برای شما خیر و در آخرت، حُسن عاقبت در پی دارد» (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۰۱). قتاده «تأویله» در آیه سی و نهم سوره یونس را «به ثواب و عاقبت، و مجاهد، آن را به جزا و ابن زید به حقیقت تفسیر کرده‌اند. طبری می‌نویسد: «مراد، عاقبت امرشان است از ورود در عذاب الهی و آتش جهنم و مانند آن، از آنچه که وعده داده شده‌اند. در مجمع البیان نیز همین اقوال ذکر شده است» (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲). طبری درباره تفسیر آیه پنجاه و دوم و سوم سوره اعراف می‌گوید: «لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلَهُ» یعنی هنوز بیان نشده است که آنچه در قرآن به آنها وعده داده شده به کجا خواهد انجامید. از حسن، قتاده، مجاهد و سدّی نقل شده است که «هل ينظرون ...»؛ یعنی آیا منتظر چیزی جز عاقبت امرشان هستند؟! (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۱۷). طبرسی می‌گوید: «نسبت دادن انتظار به کفار، مجازی است؛ زیرا آنها به جهان دیگر ایمان ندارند، بلکه این مؤمنان هستند که در انتظار وقوع قیامت و وارد شدن آنها در عذاب الهی هستند». پس مهم‌ترین معانی تأویل عبارتند از:

- «تفسیر»، که نزد قدمای مفسران مشهور بوده است.
- برگرداندن ظاهر لفظ از معنای راجح به معنای مرجوح، به‌خاطر دلیلی که وجود دارد.
- بطن قرآن، براساس کاربرد روایی تأویل که «آیت‌الله معرفت» با دیدگاه خاصی که در مورد بطن داشتند، این معنا را ذکر کرده‌اند.
- تعبیر رؤیا که در قرآن چندین بار به‌کار رفته است.
- عاقبت و نهایت چیزی که در قرآن به‌کار رفته است.
- حقیقت عینی که «ابن تیمیه» و «علامه طباطبایی» می‌پذیرند.
- اشارات و رمز و باطنی که نزد عرفا و صوفیه مشهور است.

معانی لغوی تأویل با معنای اول و دوم سازگار است، هر چند برخی معانی لغوی غیرمشهور مثل سیاست نیز وجود دارد. معنای سوم با کاربرد روایی تأویل سازگار است و معنای اول تا پنجم با کاربردهای قرآنی تأویل سازگارند. اما در مورد معنای ششم و هفتم، دلیلی از لغت، قرآن و حدیث بر آنها یافت نشده است. اگر «تأویل به معنای تفسیر، توجیه متشابه (معنای خلاف ظاهر با توجه به قرائن)، بطن (به معنای اخذ قاعده کلیه از آیه، با الغای خصوصیت) تعبیر رؤیا، عاقبت و نهایت چیز در آیات خاص، و حتی اشارات و رموز باطنی عرفا و صوفیه و حقیقت عینی (نزد ابن تیمیه) باشد، هیچ‌کس مدعی نشده است که این امور مخصوص خدا و معصومان (ع) است. اگر تأویل به معنای حقیقت عینی

بر اساس نظر علامه طباطبایی - باشد، علم به آن، مخصوص پاکان است؛ ولی دلیلی بر اصل این معنای تأویل وجود ندارد. علم به تأویل نیز، مانند تفسیر، دارای مراتب است که راسخان در علم و معصومان (ع) به مراتب بالاتری از آن دست می‌یابند» (شاکر، ۱۳۸۱، ص ۲۹). واژه تأویل در قرآن به این معانی به کار رفته است:

- تأویل قول (بر اساس نظر مشهور مفسران، آیات سوره‌های آل‌عمران، اعراف و یونس که درباره قرآن است)؛
- تأویل فعل (آیات سوره‌های نساء، اسراء و کهف)؛
- تأویل رؤیا (آیات سوره یوسف).

ابن تیمیه از جمله کسانی است که نظریه ویژه‌ای درباره تأویل دارد. وی سه معنا برای این واژه ذکر می‌کند. معنای اول: «تفسیر و بیان - که منسوب به «ابن عباس» و «مجاهد» است. بنابراین، نزد گروهی از سلف، واژه‌های «تفسیر» و «تأویل» مترادف یا متقارب‌المعنی هستند. معنای دوم: «معنای خلاف ظاهر که اصطلاح متأخران است. معنای سوم «حقیقت خارجی و اثرواقعی». ابن تیمیه می‌گوید: به طور کلی، بزرگان سلف تأویل را به دو معنا به کار برده‌اند. تفسیر و بیان معنای کلام، چه موافق ظاهر لفظ باشد و چه مخالف آن. قرآن واژه تأویل را در همین معنا استعمال کرده است. برای مثال، مراد از تأویل در آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ» وقوع اخبار قرآن درباره قیامت، بهشت، جهنم و انواع نعمت و عذاب است؛ پس وقوع این موارد، تأویل اخبار قرآن درباره وعده و وعید و بهشت و جهنم است (ابن تیمیه، بی تا، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۲۸). ابن تیمیه برای اثبات نظر خود در این باره، روایتی را به عنوان شاهد آورده است و آن این که پیامبر (ص) وقتی آیه «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ قَوْكُمْ» (انعام، ۶۵) را تلاوت کرد، فرمود: «أَنهَا كَانَتْهُ وَكَمْ يَأْتِ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ» (ترمذی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۴۴). یعنی، این امر به وقوع خواهد پیوست و هنوز واقع نشده است. وی معتقد است: هر جا تأویل درباره قرآن به کار رفته، به همان معنای واقعیت خارجی است. وی در توضیح نظر خود می‌گوید: کلام قرآن بر دو قسم است: «اخبار» و «انشاء». مراد از انشاء، اوامر و نواهی است. او عمل به اوامر و نواهی خداوند در قرآن را تأویل آن‌ها می‌داند. تأویل اخبار، همان حقیقت خارجی مخبریه است، در هنگامی که واقع می‌شود. برخی از تأویل اخبار در قرآن واقع شده است، مانند آنچه که قرآن از احوال قیامت، بغث، حساب، بهشت و آتش خبر می‌دهد» (ابن تیمیه، بی تا، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۲۸). علامه طباطبایی از مفسرانی است که در که مسئله تأویل، صاحب نظریه و مکتب است و در مواردی از «تفسیر المیزان»، به ویژه در ذیل آیه هفتم سوره آل‌عمران، بحث مفصلی درباره تأویل مطرح کرده است که به دیدگاه ایشان اشاره می‌کنیم.

از بیانات علامه به دست می‌آید که هر چیزی اعم از اقوال، افعال، احکام و رؤیاها، مستند به حقیقت یا حقایق عینی است؛ که آن حقیقت یا منشأ قول، فعل، حکم و رؤیا و هر چیز دیگری است. وی در تفسیر آیه ۸۲ سوره کهف می‌گوید: «تأویل، آن حقیقتی است که شیء آن را دربردارد و مبتنی بر آن است و بدان باز می‌گردد. مانند تأویل رویا، که همان تعبیرش است. و تأویل حکم، که همان ملاک حکم است. و تأویل فعل، که همان مصلحت و غایت حقیقی است که فعل به خاطر آن، تحقق یافته است. یا تأویل یک واقعه، همان علت واقعی آن است که سبب وقوع واقعه شده است» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۳، ص ۳۴۹). ایشان در تفسیر آیه ۵۹ سوره نساء می‌گوید: «تأویل حکم یا احکام، عبارت است از، آن مصلحت واقعی که حکم از آن ناشی می‌شود و سپس آن مصلحت بر عمل به آن حکم مترتب می‌گردد. ایشان در تفسیر آیه هفتم سوره آل‌عمران می‌نویسد: «تأویل قرآن، عبارت است از «حقایق خارجی» که آیات قرآن در معارف، شرایع و سایر بیاناتش بدان مستند است. علامه می‌فرماید: «تأویل قرآن، نه از سنخ الفاظ است و نه از سنخ

معانی و مدلولات الفاظ؛ بلکه از امور خارجی و عینی است». ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «تأویل قرآن، مدلول الفاظ قرآن نیست، بلکه بالاتر از آن است که شبکه الفاظ بتواند بدان دست یازد. اگر خداوند، آن حقیقت را به صورت مجموعه‌ای از الفاظ نازل کرد، به جهت آن است که آن را تا حدودی به اذهان ما نزدیک سازد». علامه، تأویل را اولاً و بالذات، وصف متعلق آیات می‌داند. ایشان در تبیین این نکته می‌فرماید: «تأویل قرآن، یک امر خارجی است که مرجع و مأخذ یک امر خارجی دیگر است. ائصاف آیات به تأویل داشتن، از نوع وصف به حال متعلق است؛ یعنی در واقع باید بگوییم که متعلق آیات دارای تأویل است نه خود آیات. حال این سؤال پیش می‌آید که متعلق آیات چیست؟ می‌گوییم: آیات قرآن دو دسته است: اخبار و انشاء اخبار. اخبار از امور خارجی حکایت می‌کنند و انشاء، به افعال و امور خارجی تعلق می‌گیرد. آنچه که حقیقتاً تأویل دارد، آن امور خارجی است که اخبار از آنها حکایت می‌کنند و انشاء بدان‌ها تعلق می‌گیرد» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۷-۵۰).

«محمد هادی معرفت» نویسنده «التمهید فی علوم القرآن» درباره کاربرد واژه تأویل «در قرآن و تأویل قرآن» بحث کرده است. ایشان برای تأویل، دو معنا ارائه می‌دهد که یکی اختصاص به آیات متشابه دارد و دیگری مربوط به همه آیات قرآن می‌شود. آن دو معنا عبارتند از:

۱- توجیه متشابه به یک وجه صحیح، از این نظر بین کلام متشابه و عمل متشابه فرقی نیست. خلاصه آن که، وقتی کلام یا عملی متشابه باشد، آن کلام و عمل، شبهه‌برانگیز می‌شود؛ حال، اگر کسی آنها را بر وجه صحیحی حمل کند، به طوری که منشأ شک و شبهه را از آن بزدايد، آن را تأویل کرده است. به طور مثال، اعمال خضر برای موسی شبهه‌برانگیز بود، بعداً که خضر علت و فلسفه کارهایش را بیان کرد، شک و شبهه را از ذهن و نفس موسی زدود و او فهمید که اعمال او، وجه صحیحی داشته است. بنابراین، توجیهی که خضر درباره اعمالش کرد، تأویل اعمالش به شمار می‌آید. وقتی گفته می‌شود که آیات متشابه احتیاج به تأویل دارد، مراد از تأویل، همین قسم است.

۲- معنای دوم برای کلام، در طول معنای اول قرار دارد که از آن به بطن تعبیر می‌شود. لذا، در روایات آمده است: «ظهر قرآن، تنزیل آن، و بطن آن، تأویلش است». چون در روایات آمده است که همه آیات قرآن بطن و یا چند بطن دارند، نویسنده می‌گوید: «این معنا از تأویل، شامل همه آیات قرآن می‌شود». وی مراد از بطن را معنای کلی هر آیه می‌داند که شامل همه زمان‌ها و همه مکلفان می‌شود» (معرفت، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۸).

فضای نزول

مفسرین اسلامی، نسبت به شأن نزول توجه و اهتمام ویژه‌ای نشان داده‌اند. ولی فضای نزول -مربوط به مجموع سوره- و جو نزول -مربوط به مجموع قرآن کریم- مورد عنایت و توجه مفسران واقع نشده است. به طوری که احادیث مربوط به شأن نزول یا سبب نزول در کتب اهل سنت به چندین هزار و در کتب شیعی به چند صد روایت می‌رسد. «فضای نزول، مربوط به مجموع یک سوره است. بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج از آن وجود داشته است، ترسیم فضای نزول آن سوره خواهد بود» (خامه‌گر، ۱۳۸۲). شأن نزول، تنها ناظر به تأثیر یک‌جانبه رخدادهای خاص، بر نزول آیه یا آیات است؛ ولی در فضای نزول سوره و همچنین جو نزول قرآن، سخن از تعامل و تعاطی (تأثیر دو جانبه) فضای بیرونی با نزول سوره یا جو جهانی با نزول مجموع قرآن است. بدین معنا که هم فضا و جو موجود، مقتضی نزول سوره و کل قرآن است و هم نزول سوره و تنزل مجموع قرآن، فضا و جو را دگرگون می‌ساخت و راهیابی به معارف قرآن کریم تا حدودی در

گروی آگاهی به شأن، فضا و جو نزول است (خامه‌گر، ۱۳۸۲). برای شناخت فضای نزول سوره‌ها و جو نزول مجموعه قرآن، از منابع مختلف تاریخی و روایی و نیز خود قرآن کریم، می‌توان استفاده کرد. این رسالت مفسران قرآن است که کمبود موجود در بخش فضای نزول سوره‌ها و جو نزول را ترمیم کنند. با توجه به این‌که سوره اعراف بعد از سوره «ص» و قبل از سوره «جن» نازل شده، و با توجه به این‌که نزول سوره جن پس از بازگشت پیامبر (ص) از سفر تبلیغی طائف بوده، می‌توان نتیجه گرفت که این سوره در سال دهم بعثت نازل شده است (جعفر، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۹۵؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱۰). در این دوره مشرکان مکه سخت‌ترین مخالفت‌ها را با پیامبر برای جلوگیری از انتشار دعوت الهی انجام داده‌اند. در چنین شرایطی سوره اعراف نازل شد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۶). آیات ۵۲ و ۵۳ این سوره در چنین فضایی نازل شده و به موضوع تأویل اشاره کرده است: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رَبَّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ» (اعراف، ۵۳).

سوره «یس» از سوره‌های مکی است و به گفته بعضی از مفسران بعد از سوره اسراء و قبل از سوره هود نازل شده است؛ همانند بسیاری از سوره‌های مکی، روی چند مسئله اصولی و زیربنائی تکیه می‌کند، که از همه مهم‌تر مسئله مبدأ و معاد است. منتها، نخست، از مسئله وحی و مقام پیامبر (ص) سخن می‌گوید، سپس به نشانه‌هایی از عظمت آفرینش که نشانه عظمت خدا است، می‌پردازد. بعد، مردم را به ناپایداری زندگی مادی دنیا و لزوم توجه به سرای آخرت و آمادگی برای آن از طریق ایمان و عمل صالح متوجه می‌سازد و به تناسب همین مسائل، قسمت‌های مختلفی از زندگی پیامبران بزرگ از جمله نوح و موسی و یونس (ع) را بازگو می‌کند و به همین مناسبت نام سوره یونس بر آن گذارده شده است.

برای تایید مباحث فوق، سخن از لجاجت و سرسختی بت‌پرستان به میان می‌آورد. حضور و شهود خدا را در همه‌جا برای آن‌ها ترسیم می‌کند. «مخصوصاً برای اثبات این مسئله از اعماق فطرت آنان که به‌هنگام مشکلات آشکار می‌شود و به یاد خدای واحد یکتا می‌افتند، کمک می‌گیرد و برای تکمیل بحث‌های فوق در هر مورد مناسبی، از بشارت و انذار، بشارت به نعمت‌های بی‌پایان الهی برای صالحان و انذار، و بیم‌دادن طاغیان و گردن‌کشان، استفاده می‌کند» (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۷۷). «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (یونس، ۳۹).

از آن‌جا که سوره آل عمران بعد از سوره انفال و قضایای جنگ «بدر»، «احد» و «حمرات‌الاسد» و قبل از سوره «احزاب» و جنگ «احزاب» که در سال پنجم فرود آمده، می‌توان گفت که این سوره، حدود سال سوم یا چهارم هجری نازل شده است. نزول سوره آل عمران در سال سوم و چهارم هجری درهنگامی بود که پیش از آن حکومت پیامبر (ص) به خاطر تشریح قوانین و مقررات جامعه اسلامی و پیروزی در جنگ بدر، تا حدودی استقرار یافته و مسلمانان را در موقعیت ممتازی قرار داده بود. همین امر هشدار جدی برای دشمنان اسلام به حساب می‌آمد. از سویی، شکست مسلمانان در جنگ احد، دشمنان اسلام از جمله یهودیان، مسیحیان و مشرکان را نسبت به مقابله با اسلام بی‌باک‌تر کرد و هرکدام به گونه‌ای در صدد خاموش کردن نور اسلام برآمدند. پس از این شکست عبرت‌آموز، قریش و دیگر احزاب مشرک عرب به یک صف درآمدند تا ضربه نهایی را -در خندق- فرود آورند. اهل کتاب، از یهودیان جزیره گرفته تا مسیحیان حاشیه آن، هماهنگ شدند تا با احتجاج‌ها و جدال‌ها و تشکیک‌ها، ضربه‌ای فکری و روحی به مسلمانان بزنند و از طرف

دیگر، دو امپراتوری بزرگ آن زمان، یعنی ایران و روم نیز نسبت به حکومت نوپای اسلام حساس شده بودند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۶).

این مطالب، همگی بیانگر این معناست که این سوره در زمانی نازل شده است که مردم از یهودی و مسیحی و مشرک، همه بر علیه اسلام قیام کرده بودند و مسلمانان به شدت در حال دفاع از حوزه دین بودند و لحظه‌ای امنیت نداشتند. از این رو باید، همه توان خود را برای مقابله با آنان بسیج می‌کردند. سوره آل عمران در چنین فضایی نازل شد و مقابله با دشمنان را به مومنان یادآور شد. با توجه به فضای نزول سوره آل عمران، می‌توان «بیان راهکارهای ایجاد و تقویت انسجام درونی جامعه دینی و کسب آمادگی لازم برای مقابله با دشمنان نظامی و فرهنگی» را مقصود و غرض اصلی این سوره دانست. این مقصود را بسیاری از مفسران برگزیده‌اند و آن را با عبارات‌های مختلف بیان کرده‌اند (جعفری، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۳؛ قرشی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳). «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۷).

با توجه به فضای نزول این سه سوره که یکی از آیات آن مربوط به تأویل است می‌توان این چنین نتیجه گرفت؛ که «تأویل» در آیه ۵۳ سوره اعراف، مربوط به فرارسیدن قیامت و رؤیت رفتار کافران در آن روز است؛ که باطن رفتارهای کافران و مشرکان نمایان می‌شود. در این آیه واژه‌های «بنظرون، یوم یاتی، نرد، نعمل و...»، قرینه‌ای برای اثبات این نکته است که تأویل به معنای عذاب الهی است که آن عذاب، بیان باطن رفتار کافران است. آیه ۳۹ سوره یونس به جهل کافران نسبت به فرارسیدن قیامت اشاره دارد و علت تکذیب قیامت را جهل کافران معرفی می‌کند. فراز «لما یاتی تأویلہ و...»، به این نکته اشاره دارد که هنوز قیامت فرا، نرسیده است. آیه هفتم سوره آل عمران تنها آیه‌ای است به عنوان «نص» اشاره به تأویل آیات قرآن دارد. نکته مهم در این آیه اشاره به کسانی دارد که دنبال تأویل آیات متشابه هستند. با توجه به زمان نزول سوره آل عمران و حضور قوی یهودیان در مدینه و تحرک آنها برای تأویل ناشایست آیات الهی، این آیه از نقشه شوم این گروه از دشمنان پرده برمی‌دارد. عبارت «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ...» این نکته را تایید می‌کند.

نتیجه‌گیری

در تفسیر فقهی شیعه، هم از حیث منابع معتبر تفسیر فقهی، هم از جهت مبانی، هم از حیث ابزار تفسیر فقهی و هم از لحاظ روش‌های استنباط احکام از منابع معتبر، ویژگی‌های منحصر به فردی وجود دارد؛ که از حیث گستردگی و عمق در میان دیگر گرایش‌های تفسیر فقهی جایگاه ویژه‌ای دارد.

در باب منابع معتبر، اصیل بودن قرآن، به عنوان منبع فقهی، سنت اهل بیت (ع) در کنار سنت نبوی، به عنوان مفسر آیات الاحکام، و نیز جایگاه خاص عقل و استدلال عقلی، همچنین اجماع، به عنوان زیرمجموعه سنت و نه در عرض آن، از ویژگی‌های سنت تفسیر فقهی شیعه است.

در باب مبانی تفسیر فقهی، تحریف‌ناپذیری قرآن، حجیت ظواهر قرآن، حجیت سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، جدایی‌ناپذیری قرآن و سنت، حجیت خبر واحد و ممنوعیت تفسیر به رأی در گرایش تفسیر فقهی شیعه، جایگاه خاصی دارد.

در باب ابزار تفسیر فقهی، گستردگی استناد به اصول عقلایی محاوره، بهره‌گیری از قواعد فقهی، قواعد و آرای اصولی (با عمق و گستردگی خاص)، توجه به قواعد تفسیری خاص، روش‌های متنوع استدلال‌های عقلی، در کنار توجه به سبک بیانی ویژه قرآن و عنایت به جهان‌بینی قرآنی، حائز اهمیت است (وزیری، ۱۳۹۱).

منابع

قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۴۰۷ق). *النهايه في غريب الحديث والاثر*. اسکندريه: دارالکتب العلميه.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (بی‌تا). *الاکلیل فی المتشابه*. اسکندريه: دارالایمان.
- ابن فارس، احمد (۱۴۱۱ق). *معجم مقایس اللغه*. بیروت: دارالجبیل.
- ابن منظور، جمال‌الدین (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۱۱.
- زهري الهروي، أبو منصور (۲۰۰۱م). *تهذيب اللغة*. تحقیق محمد عوض مرعب. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- افرام البستانی، فؤاد (۱۹۵۴ق). *الروائع*. بی‌جا: بی‌نا.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۴۱۴ق). *المفسرون حياتهم و منهجهم*. تهران: وزارت ارشاد.
- بابایی، علی اکبر (بی‌تا). *تأویل قرآن*. معرفت، شماره ۶، ص ۴۹-۴۴.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۱ق). *الجامع*. استانبول: دارالدعوه، ج ۵.
- جعفر، شرف‌الدین (۱۴۲۰ق). *الموسوعة القرآنية خصائص السور*. بیروت: دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه، ج ۳-۲.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربيه*. تحقیق و تصحیح احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسن‌زاده، صالح؛ جعفری، عبدالله (۱۳۹۳). *حقیقت تأویل در قرآن از منظر علامه طباطبائی*. *اندیشه علامه طباطبائی*، (۱)، ص ۳۳-۵۰.
- خامه‌گر، محمد (۱۳۸۲). *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- خرمشاهی، قوام‌الدین (۱۳۷۷). *سوره یونس*. در: *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی*. تهران: انتشارات دوستان.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). *رابطه قرآن و علم و راهکار حل تعارض‌های ظاهری آن‌ها*. *قرآن و علم*، (۲)، ۲.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المثور في تفسير المأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۲.
- شافعی قرشی مطلبی، ابو عبدالله محمد (۱۴۱۲ق). *احکام القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۱). *روش‌های تأویل قرآن*. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۳ق). *المیزان في تفسير القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۳، ۳، ۸.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۲.
- طبری، ابوجعفر محمد (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة، ج ۲-۳.
- قاسم پور، محسن (۱۳۹۲). مقایسه دیدگاه‌های رجالی ابن غضائری و نجاشی (عنوان عربی: مقارنه منطلقات ابن الغضائری والنجاشی الرجالیة). حدیث پژوهی، ۵(۹)، ص ۸۵-۱۱۲.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۶۶). *احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت، ج ۲.
- قطب راوندی، سعید بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. قم: نشر مرتضوی.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۸). *علوم قرآنی*. قم: مؤسسه التمهید، معرفت، محمدهادی (۱۳۷۸). *التفسیر و المفسرون*. قم: موسسه تمهید.
- نصیری، علی؛ نصیری، محمدحسین؛ کریمی، حمید؛ ملکی دیزینی، محمدرضا (۱۳۹۸). روش‌شناسی تفسیر آیات متشابه در روایات رضوی. فرهنگ رضوی، ۷(۲۸)، ص ۱۱۱-۱۳۴.
- وزیری، مجید (۱۳۹۱). روش‌شناسی تفسیر فقهی شیعه. *مطالعات قرآنی*، ۳۳(۱۱)، ص ۱۸۴-۱۶۱.